

گرایش‌های تفسیری مفسران شیعه

دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

دانشیار جامعة المصطفی العالمیة

چکیده

گرایش تفسیری، تأثیر عقاید، نیازها، ذوق و تخصص مفسران در تفسیر قرآن است. مفسران شیعه نیز همچون دیگر مفسران قرآن، دارای گرایش‌های فقهی، کلامی، فلسفی، اجتماعی و ادبی بوده‌اند؛ هرچند مفسران شیعه همه این گرایش‌ها را در چارچوب مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام تعریف کرده‌اند. در این نوشتار به صورت مبسوط تاریخی، ویژگی‌ها، موضوعات گرایش‌های تفسیری و مهم‌ترین تفاسیر شیعه در هر مورد، معرفی شده است.

نیز یادآوری شده است: گرایش‌های تفسیری دیگری مثل گرایش عرفانی، حدیثی و علمی در میان شیعه وجود داشته است. در دهه اخیر نیز گرایش‌های میان‌رشته‌ای در تفاسیر، مثل تفسیر تربیتی، مدیریتی، سیاسی و... در مورد قرآن مطرح شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، تفسیر، مفسران، شیعه، گرایش.

مقدمه

گرایش‌های تفسیری از دیرباز، در عرض روش‌های تفسیری مطرح بوده است و نقش این مبحث در تاریخ تفسیر و شناخت تفاسیر و مفسران شیعه، مهم است؛ زیرا در دوره‌های مختلف تفسیر شیعه، به گرایش‌های متعددی برمی‌خوریم و در صد سال اخیر این گرایش‌ها از تنوع بیشتری برخوردار شده است و زمینه‌ساز پیدایش تفاسیر متعددی در شیعه گشته است. توجه به گرایش مفسر، ما را به شناخت مبانی و منابع و جهت‌گیری‌های او در تفسیر رهنمون می‌سازد؛ ضمن آنکه در فهم بهتر موضوع‌گیری‌های مفسران شیعه به ما کمک می‌کند.

مقصود از «گرایش»، تأثیر باورهای مذهبی، کلامی، جهت‌گیری‌های عصری و علمی در تفسیر قرآن است که بر اساس عقاید، نیازها و ذوق و تخصص علمی مفسر شکل می‌گیرد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۳۲۸).

گرایش‌های تفسیری قرآن را به شیوه‌های فلسفی، کلامی، فقهی، ادبی، اجتماعی و... تقسیم کرده‌اند (همان، ص ۳۲-۳۴).

گفتنی است در مورد گرایش‌های تفسیری، از نام‌هایی همچون مذاهب، مکاتب، سبک‌ها، جهت‌گیری‌ها، الوان و اتجاهات تفسیری نیز استفاده شده است؛ ضمن آنکه تقسیم‌های متعددی در گرایش‌های تفسیری موجود است (معرفت، ۱۳۸۰/صغیر، ۱۴۱۲ق، ص ۳۶). گاهی نیز از این نام‌ها به جای همدیگر استفاده شده، گاهی بین روش و گرایش خلط گشته است؛ در حالی که روش تفسیر عبارت است از: شیوه استناد مفسر به منبع خاص، مثل روش تفسیر قرآن به قرآن، روایی، عقلی (رضایی اصفهانی، همان، ص ۲۰-۳۰)؛ ولی گرایش تفسیر وابسته به عقاید و تخصص و ذوق مفسر است.

پیشینه

سرچشمه‌های گرایش‌های تفسیری را می‌توان در صدر اسلام جستجو کرد؛ زمانی که اختلافات مذهبی و کلامی بین مسلمانان شکل گرفت و در تفسیر آیات قرآن اثر

کرد و به دنبال آن، شیعه نیز در جایگاه یکی از مذاهب مهم فقهی و کلامی، گرایش خاصی در تفسیر بنیانگذاری و پیگیری کرد؛ هرچند مفسران شیعه تحت تأثیر اندیشه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام قرار داشتند.

از قرن دوم به بعد، با ترجمه آثار و نفوذ افکار و علوم یونانیان و ایرانیان در بین مسلمانان، گرایش‌های دیگری نیز پدید آمد. از اینجا بود که بحث‌های کلامی و فلسفی پیدا شد و کم‌کم گرایش‌های تفسیری کلامی شکل گرفت (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱، ص ۵) و هر کدام از فرقه‌های اسلامی، از جمله شیعه و... آیات قرآن را بر اساس دیدگاه‌های کلامی خود تفسیر می‌کردند.

در همین راستا، اختلافات مذهبی که از قرن اول شروع شده بود، با اختلافات مذاهب فقهی همراه شد و در تفسیر آیات فقهی قرآن، تأثیر گذاشت. مفسران شیعه نیز بر اساس مبانی فقهی مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام به تفسیر قرآن پرداختند.

محدثان شیعه نیز که به نقل احادیث اکتفا می‌کردند، گرایش تفسیر روایی را شکل دادند که در مرحله اول (در قرن‌های سوم و چهارم) تفاسیری همچون: *عیاشی* و *قمی* شکل گرفت و در مرحله دوم (در قرن دهم تا یازدهم) تفاسیری همچون: *البرهان* و *نورالثقلین* ظهور کرد.

در میان دو دوره تفسیرهای روایی، تفاسیر فقهی شروع شد که نوعی تفسیر موضوعی قرآن با گرایش «آیات الاحکام» بود. *احکام القرآن* راوندی (م ۵۷۳ق) و *زبدۃ البیان* مقدس اردبیلی (۹۹۳ق) از آن نمونه است.

برخی از فلاسفه، مثل ملاصدرا (م ۱۰۵۰ق) تفسیر قرآن کریم را نوشتند و گرایش فلسفی تفسیر را شکل دادند. در قرن اخیر نیز گرایش‌های دیگری همچون گرایش اجتماعی و گرایش‌های میان‌رشته‌ای به وجود آمد و رشد کرد.

از مهم‌ترین تألیفات در زمینه گرایش‌های تفسیری در شیعه، می‌توان به مقدمه *تفسیر المیزان*، و کتاب *التفسیر و المفسرون فی ثوبۃ القشيب* علامه محمدهادی

معرفت و نیز روش‌های تفسیری دکتر سیدرضا مؤدب، کتاب روش‌ها و گرایش‌های تفسیری حسین علوی مهر و منطق تفسیر قرآن (۲)، نوشته محمدعلی رضایی اصفهانی - که در بخشی از آنها گرایش‌های تفسیر علمی، اجتماعی، فقهی، کلامی، فلسفی و... مورد بررسی قرار گرفته است - و برخی کتاب‌های دیگر که به یک گرایش خاص پرداخته‌اند، مثل درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، نوشته محمدعلی رضایی اصفهانی و فقه القرآن تفسیر تطبیقی آیات الاحکام محمد فاکر مییدی اشاره کرد.

مهم‌ترین گرایش‌های تفسیری مفسران شیعه

۱. گرایش فقهی

گرایش تفسیر فقهی، به رویکرد تفاسیری گفته می‌شود که رویکرد اصلی آنها، توضیح آیات الاحکام باشد؛ یعنی مفسر بر اساس علاقه به فقه یا تخصص فقهی خود به آیات الاحکام توجه وافر نماید یا فقط به تفسیر این دسته از آیات بپردازد. قرآن کریم آیات متعددی درباره احکام تکلیفی انسان دارد که پانصد آیه و بیشتر و کمتر از آن گفته شده است (فاضل مقداد، ۱۳۱۵ق، ج ۱، ص ۵/ ابن عربی، ۱۳۹۲ق، ج ۴، ص ۲۰۸-۲۰۹). در زمان پیامبر ﷺ به این آیات عمل می‌شد و موارد ابهام، از ایشان پرسیده می‌شد. در عصر صحابه نیز از این آیات استنباط می‌شد و بدان‌ها عمل می‌شد و گاهی صحابه در مورد آیات الاحکام اختلاف می‌کردند که اختلاف امام علی علیه السلام و عمر در مورد اقل مدت حمل و استناد امام به آیات قرآن (بقره: ۲۳۳/ احقاف: ۱۵) و تعیین مدت شش ماه، مشهور است (خضری، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱۳/ ذهبی، ۱۳۹۶ق، ج ۲، ص ۴۳۳).

در این میان، روایت‌های پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، راه‌گشای فقهای صحابه و تابعین شد و در حقیقت، روایات فقهی، نوعی تفسیر موضوعی قرآن شد که بعدها علم فقه و

فقه‌القرآن در دامان آن رشد کرد و مفسران و فقیهان شیعه، بر اساس دیدگاه‌های فقهی اهل بیت علیهم‌السلام به تفسیر آیات الاحکام پرداختند.

فقه‌القرآن یا آیات الاحکام، در حقیقت نوعی تفسیر موضوعی قرآن است که به صورت یک گرایش تفسیری، از قرن‌های اولیه‌ی اسلام تا کنون ادامه داشته و ده‌ها کتاب در این زمینه نگارش یافته است - که در ادامه می‌آید - اما با پیدایش مذاهب فقهی از قرن دوم به بعد، پیروان مذهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی نیز به تفسیر آیات الاحکام و تألیف در این زمینه پرداختند؛ با این همه تفاسیر فقهی شیعه که ریشه در روایات فقهی اهل بیت علیهم‌السلام داشت، کم‌کم به صورت مجموعه‌های تفسیری و فقهی سامان یافت.

مهم‌ترین تفاسیر فقهی شیعه، عبارتند از:

- احکام القرآن (فقه القرآن)، راوندی (م ۵۷۳ق)؛
- زبدة البیان فی احکام القرآن، مقدس اردبیلی (م ۹۹۳ق)؛
- کنز العرفان فی فقه القرآن، سیوری معروف به فاضل مقداد (م ۸۲۶ق)؛
- تفسیر آیات الاحکام، سیدمحمدحسین طباطبایی یزدی (م ۱۳۸۶ق)؛
- تفسیر شاهی، سید امیر ابوالفتح حسینی جرجانی (م ۹۷۶ق)؛
- مسالک الافهام الی آیات الاحکام، جواد کاظمی (م قرن یازدهم هجری)؛
- فقه پژوهی، سیدمحمدعلی ایازی (معاصر)؛
- تفسیر آیات الاحکام، زین‌العابدین قربانی (معاصر)؛
- فقه القرآن (تفسیر تطبیقی آیات الاحکام)، محمد فاکر میبیدی (معاصر).

ویژگی‌ها: مفسر در گرایش فقهی، به عناصر زیر توجه بیشتری می‌کند:

الف) به تفسیر آیاتی می‌پردازد که در مورد زندگی بشر احکام فقهی دارد و تکلیف انسان را به صورت واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح در ابواب عبادات و معاملات و... بیان می‌کند.

ب) همّت مفسّر به استنباط احکام شرعی، فرعی عملی از آیات قرآن است.
ج) معمولاً مفسّر آیات الاحکام، شخصی مجتهد در فقه است و در نهایت، فتوای خویش را بیان می‌کند.
د) معمولاً مفسّر در این گرایش با روش فقهی، مسائل را تجزیه و تحلیل می‌کند و در این راه از کتاب، سنت، عقل و اجماع بهره می‌برد.
ه) تفسیر فقهی بر اساس مبانی‌ای که مفسّر در فقه و اصول مذهب خویش برگزیده است، متنوع می‌شود و نتایج مختلف می‌دهد؛ برای مثال اگر مفسّر فقیه، اجماع و خبر واحد و ظواهر کتاب را حجت بدانند یا ندانند، چهره تفسیر آیات الاحکام او متفاوت می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۳۳۱-۳۳۰).
البته فقهای شیعه که بر اساس مذهب اهل بیت علیهم‌السلام حرکت می‌کنند و آیات الاحکام را با استفاده از روایات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام تفسیر می‌کنند، در این راه از قرائن عقلی و آیات دیگر نیز استفاده می‌نمایند.
موضوعات: برخی از مهم‌ترین آیات مورد اختلاف در گرایش فقهی تفسیر، عبارتند از: آیه متعه (نساء: ۲۴)؛ آیه وضو (مائده: ۲۰)؛ آیه خمس (انفال: ۴۱)؛ حج تمتع و... .
البته آیات الاحکام بر اساس تقسیمات فقه، به عبادات (مانند صلوٰه و صوم و...)، عقود (مانند نکاح و...)، ایقاعات (مانند طلاق و...) و احکام قضایی (مانند قصاص و...) تقسیم می‌شود و برخی، احکام حکومتی (مانند ولایت، جهاد و...) و احکام اجتماعی (مانند ارث، وصیت و...) را بدان اضافه کرده‌اند (فاکر میبیدی، [بی‌تا]).

۲. گرایش کلامی

واژه «کلام»، به معنای گفتار است؛ اما در اصطلاح، به «علم عقاید» گفته می‌شود. گرایش کلامی تفسیر قرآن، در مورد رویکرد تفاسیری اطلاق می‌شود که رویکرد اصلی آن، توضیح آیات عقاید باشد؛ یعنی مفسّر بر اساس علاقه یا وابستگی به یک

مکتب کلامی، آیات عقایدی را بر اساس آن مکتب کلامی تفسیر کند یا به آیات العقاید بیشتر بپردازد.

در عصر پیامبر ﷺ، عقاید مسلمانان همگون بود؛ اما پس از ایشان در مورد برخی از مسائل عقیدتی، همچون امامت، اختلاف پیدا شد و کم‌کم دایره اختلافات به مسائل عقیدتی دیگر، همچون صفات خدا و پیامبران کشیده شد و در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری، علم کلام شکل گرفت که مهم‌ترین مکتب در علم کلام، مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بود که از صدر اسلام شکل گرفت. سپس مکتب معتزله توسط واصل بن عطاء (۸۰-۱۳۱ق) به وجود آمد. در ادامه و در اواخر قرن سوم و اواخر قرن چهارم، مکتب اشاعره توسط ابوالحسن اشعری (م حدود ۳۳۰ق) پایه‌گذاری شد و سپس مکتب ماتریدی (م ۳۳۳ق) پدید آمد.

مکتب کلامی شیعه که عقاید خاصی در مسئله امامت و عصمت و مانند آن داشت و از احادیث اهل بیت علیهم‌السلام سرچشمه می‌گرفت، در قرن‌های بعدی، توسط شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ق) نظام‌مند گشت.

مکاتب کلامی در جهان اسلام، به سراغ تفسیر قرآن نیز آمدند و آیات موافق مکتب خویش را قبول کرده، آیات مخالف را به حق یا ناحق، تأویل یا توجیه می‌کردند؛ از این رو گرایش کلامی تفسیری با گونه‌های مختلف به وجود آمد. از مهم‌ترین تفسیرهایی که با گرایش کلامی شیعه، نوشته شده است، موارد ذیل است:

الف) *غرر الفوائد و درر القلاید* (امالی سید مرتضی)، شریف مرتضی (م ۴۳۶ق) که بین ظاهر و باطن قرآن جمع کرده است.

ب) *تفسیر تبیان*، ابوجعفر شیخ طوسی (م ۴۶۰ق).

ج) *تفسیر مجمع البیان*، ابوعلی طبرسی (م ۵۴۸ق).

- دو تفسیر فوق، هرچند از تفاسیر جامع‌اند، اما به مباحث کلامی توجّه وافر داشته‌اند.
- د) *متشابه القرآن و مختلفه*، ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۳ق). این تفسیر، به صورت موضوعی است.
- ه) *حدائق ذات بهجة*، ابو یوسف عبدالسلام قزوینی (م ۴۸۸ق). این کتاب در بر دارنده تمام آیات قرآن است و تا زمان صفویه وجود داشته است (زرکلی، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۷/ حاجی حلیفه، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۶۳۴).
- و) *بلابل القلاقل*، ابومکارم محمد بن محمد حسنی (قرن هفتم). این تفسیر، آیاتی را آورده است که با واژه «قل» شروع می‌شوند.
- ز) *دقائق التأویل و حقایق التنزیل*، ابومکارم محمد بن محمد حسنی. این تفسیر آیاتی را تفسیر کرده است که عبارت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...» و «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا» و «أَلَمْ تَرَ» داشته‌اند.
- ح) *جلاء الازدهان و جلاء الاحزان*، ابومحسن حسین بن حسن جرجانی (قرن هشتم). این اثر تا حدودی برگرفته از تفسیر ابوالفتوح رازی است.
- ط) *لوامع التنزیل و سواطع التأویل*، ابوالقاسم رضوی لاهوری (م ۱۳۲۴ق). ایشان از علمای هند است.
- ی) *آلاء الرحمن*، محمدجواد بلاغی نجفی (۱۲۸۲-۱۳۵۲ق). این تفسیر تا آیه ۵۷ سوره نساء است. او در مسائل کلامی بین ادیان، بیشتر قلم زده است.
- ک) *المیزان فی تفسیر القرآن*، محمدحسین طباطبایی (۱۳۲۱-۱۴۰۲ق). وی به مباحث اعتقادی - به‌ویژه در جلدهای ابتدایی تفسیر - توجّه بسیاری کرده است. هرچند روش او تفسیر قرآن به قرآن است، اما مباحث فلسفی و کلامی بسیاری دارد.
- ل) تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی و همکاران (معاصر). هرچند گرایش این تفسیر بیشتر اجتماعی است، اما به مباحث کلامی شیعه توجه خاص دارد.

م) تفسیر کلامی قرآن مجید، محمدحسین روحانی. هرچند گرایش تفسیری آن اجتماعی است و به صورت تفسیر جامع نگارش یافته است، اما به مباحث عقیدتی شیعه و دفاع از آنها پرداخته است.

ویژگی‌ها: مفسران در گرایش کلامی تفسیر، به عناصر زیر توجه بیشتری می‌کنند:

الف) به تفسیر آیات عقاید (توحید، نبوت، عدل، امامت و معاد) توجه می‌کنند.

ب) غالباً آیات مشابه قرآن را پیگیری می‌کنند.

ج) پس از تفسیر آیه، به اثبات عقیده خویش و نفی دیگران می‌پردازند.

د) انگیزه مفسر، دفاع از عقاید مسلمانان یا دفاع از مکتب کلامی خاص است.

ه) در تفسیر کلامی، بیشتر از روش تفسیر اجتهادی و عقلی و شیوه استدلالی استفاده می‌شود؛ هرچند از روایات و آیات دیگر قرآن نیز استفاده می‌شود (رضایی اصفهانی، همان، ص ۳۳۵).

زاین‌رو، گاهی تفاسیر کلامی، دارای روش‌ها یا گرایش‌های متعدد است.

شیعیان (اثنی‌عشری یا امامیه)، پیروان امامان دوازده‌گانه - از امام علی تا امام مهدی علیه السلام - هستند (گروه‌های دیگر شیعه، مثل اسماعیلیه و زیدیه نیز در اکثر عقاید با شیعه مشترک هستند، ولی در مورد امامت برخی امامان متأخر، اختلاف نظر دارند. (ر.ک به: سبحانی، ۱۴۲۷ق) که در سه قرن اول از محضر اهل‌بیت علیهم السلام استفاده کرده‌اند و عمده مسائل کلامی خویش را از آنان گرفته‌اند).

بعد از غیبت امام عصر (۳۲۹ق)، عالمان بزرگ شیعه، همچون شیخ طوسی، شیخ مفید، سید مرتضی، خواجه نصرالدین طوسی و... کلام شیعی را بارورتر کرده‌اند.

شیعیان معتقد به توحید صفاتی و افعالی و عدل الهی هستند و به عقل و نقل، هر دو اهمیت می‌دهند و حسن و قبح عقلی را قبول دارند و انسان را آزاد - نه مجبور و نه آزاد مطلق، بلکه به صورت الامر بین الامرین - می‌دانند و تکلیف به مالایطاق را جایز نمی‌دانند و خدا را با چشم سر قابل رؤیت نمی‌دانند.

از مهم‌ترین مسائل کلامی شیعه، اعتقاد به امامت علی بن ابی‌طالب علیه السلام و یازده فرزند او، و اعتقاد به عصمت پیامبران و امامان است. گرایش تفسیری شیعه، به ظاهر و باطن قرآن توجه دارد.

موضوعات: برخی از مهم‌ترین موضوعات و آیاتی که در تفسیرهای کلامی مورد بحث و ردّ و اثبات قرار گرفته‌اند، عبارتند از: توحید صفاتی، توحید افعالی، عصمت پیامبران، عدل الهی، امامت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله، هدایت و ضلالت و رابطه آن با آزادی و اختیار انسان، دیدن خدا با چشم سر و رابطه آن با مسئله تجسیم و تشبیه. برای مثال در آیه شریفه «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ أَلْوَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ» (قیامة: ۲۲-۲۳) نیز اختلاف شدیدی پیش آمد و برخی مفسران بر آن شدند در قیامت، خدا دیده می‌شود. روایات صحیح بخاری نیز آن را تأیید می‌کرد (صحیح بخاری، ۱۴۱۱ق، کتاب التوحید، باب قوله تعالی: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ...»)، ولی معتزله، ظاهر این آیه را با آیه «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ» (انعام: ۱۰۳) معارض می‌دیدند و دیدن خدا را در رستاخیز به صورت مجازی می‌دانستند (البخار، ۱۹۹۵م، ص ۱۲۵-۱۲۷).

علامه طباطبایی رحمته الله در مورد آیه فوق می‌نویسد:

«و المراد بالنظر اليه تعالی ليس هو النظر الحسّي المتعلّق بالعين الجسمانية الماديّة التي قامت البراهين القاطعة على استحالته في حقه تعالی بل المراد النظر القلبي و رؤیة القلب بحقیقة الايمان على ما يسوق اليه البرهان و يدلّ عليه الاخبار المأثور عن اهل العصمة عليهم السلام» (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۲۰، ص ۱۹۸): و مقصود از نگاه به سوی خدا، نگاه حسی - که با چشم جسمانی مادی انجام می‌شود - نیست که برهان‌های قطعی بر محال بودن آن دلالت دارد، بلکه مقصود نگاه قلبی است. نگاه قلبی با حقیقت ایمان بر اساس آنچه برهان و روایات اهل بیت علیهم السلام ما را به سوی آن سوق می‌دهد.

۳. گرایش فلسفی

این گرایش به رویکرد تفاسیری اطلاق می‌شود که در تفسیر از مطالب فلسفی بسیار بهره‌جسته‌اند و مفسر به سبب علاقه یا تخصص خود، نگاهی فلسفی به آیات داشته است.

فلسفه، به وجود و مباحث مربوط به آن می‌پردازد و فیلسوفان با تکیه بر عقل و استدلال، به تحلیل وجود موجودات می‌پردازند.

هرچند توجه به عقل و استدلال، از صدر اسلام وجود داشته است و قرآن دعوت‌کننده به تفکر و تعقل است، اما حرکت فلسفی اصطلاحی در تاریخ اسلام، از هنگامی شروع شد که در دوره عباسیان - به‌ویژه از زمان منصور و مأمون عباسی - ترجمه آثار یونانی، هندی و فارسی، به زبان عربی شروع شد.

برخی از متفکران مسلمان، آثار فلسفی ایران و یونان را مطالعه کردند و در برابر آن، دو واکنش متفاوت ابراز کردند: گروهی از اهل سنت، همچون فخر رازی و غزالی، آن افکار فلسفی را با اسلام در تعارض دیدند و به مقابله با آنها برخاستند و کتاب‌هایی علیه فلسفه نوشتند. در عصر ما نیز افرادی همچون دکتر ذهبی در *التفسیر و المفسرون*، به این گرایش تفسیری سخت انتقاد می‌کنند و آن را نوعی تأویل و تحمیل خطرناک و شر می‌خوانند (ذهبی، ۱۳۹۶ق، ج ۲، ص ۴۱۸). شیخ خالد عبدالرحمن العک نیز تلاش آنان برای فهم صفات خدا را گناهی بزرگ می‌خواند که آنها را از دایره ایمان و اسلام خارج می‌کند (عبدالرحمن العک، ۱۴۱۴ق، ص ۲۳۴).

ولی گروهی دیگر، همچون فلاسفه بزرگ شیعه، بوعلی سینا، سهروردی و ملاصدرای شیرازی، از افکار فلسفی استقبال کردند و آنها را گسترش داده، با آیات قرآن هماهنگ خواندند و گفتند: عقل و دین معارض هم نیستند و می‌توان بین حکمت و عقیده را جمع کرد. آنان در این راه، گاهی نیز به تأویل آیات پرداختند (ذهبی، همان / عبدالرحمن العک، همان، ص ۲۳۲).

در این راه، تفسیرها و کتاب‌های متعددی نگارش یافت که همگی به تفسیر فلسفی آیات پرداختند؛ البته باید توجه داشت تفسیر فلسفی با تفسیر کلامی، در برخی گونه‌ها و شاخه‌ها ارتباطی نزدیک دارد؛ یعنی برخی نحله‌های کلامی به مباحث عقلی بسیار نزدیک هستند و مسائل و دیدگاه‌های مشترکی دارند.

گونه‌ها و مهم‌ترین منابع

الف) گرایش فلسفه مشاء در تفسیر: روش فلسفی‌ای که ریشه در افکار ارسطو دارد، «فلسفه مشاء» نامیده می‌شود. از بزرگان این مکتب در بین مسلمانان، بوعلی سینا (م ۳۷۰ق) است که کتاب *شفاء* او مشهور است و آرای فلسفی وی را بیان می‌کند. مهم‌ترین کتاب‌هایی که مباحث تفسیری فلسفه مشاء را بیان کرده‌اند، عبارتند از:

- *تفسیر ابن سینا*، ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسین، مشهور به ابن سینا (۳۷۰-۴۳۸ق). وی به تفسیر سوره‌های اعلی، اخلاص، فلق، ناس و آیه نور و آیه ۱۱ سوره فصلت و... پرداخته است.

- *النیروزیه فی معانی الحروف الهجائیه*، ابن سینا. این کتاب مربوط به حروف مقطعه آغاز سوره‌ها و بیان اسرار آنهاست.

- *التفسیر القرآنی و اللغة الصوفیه فی فلسفه ابن سینا*، حسن عاصی. این کتاب به بیان مبانی تفسیری بوعلی سینا پرداخته است.

ب) گرایش فلسفه اشراق در تفسیر: روش فلسفی‌ای که ریشه در افکار نوافلاطونی و حکمای قدیم ایران دارد، «فلسفه اشراق» نامیده می‌شود. از بزرگان این مکتب در بین مسلمانان، شیخ شهاب‌الدین سهروردی (۵۴۹-۵۸۷ق) است.

این نحله، به مسئله اشراق و شهود در فلسفه اهمیت می‌دهد. بسیاری از دیدگاه‌های این نحله فلسفی را در آثار شیخ اشراق می‌بینیم (مجموعه آثار شیخ

اشراق توسط پروفیسور کرین فرانسوی، جمع‌آوری و تحقیق شده، زیر همین عنوان، چاپ گشته است).

ج) گرایش حکمت متعالیه در تفسیر: این روش فلسفی، آمیخته‌ای از اشراق و مشاء است که به «حکمت متعالیه» مشهور شده است. پایه‌گذار این مکتب، ملاصدرای شیرازی (م ۱۰۵۰ق) است که کتاب *اسفار اربعه* او در زمینه فلسفه، مشهور است. مهم‌ترین کتاب‌هایی که مباحث تفسیری فلسفه حکمت متعالیه را بیان کرده‌اند، عبارتند از:

- تفسیر *القرآن الکریم* (تفسیر صدر المتألهین)، محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، معروف به ملاصدرا یا صدر المتألهین (م ۱۰۵۰ق). این تفسیر، شامل سوره‌های فاتحه، واقعه، یس، اعلی، حدید و جمعه است؛

- *اسرار الآیات*، ملاصدرا؛

- *تحفة الابرار فی تفسیر القرآن*، ملا محمد ملائکه (قرن دوازدهم)؛

- تفسیر *رضوان*، میرزا عبدالوهاب (م ۱۲۹۴ق)؛

- *مخزن العرفان*، بانوی اصفهانی (م ۱۴۰۳ق)؛

- *المیزان فی تفسیر القرآن*، علامه طباطبایی (م ۱۴۰۲ق).

دو تفسیر اخیر، از تفاسیر فلسفی به شمار می‌روند؛ هرچند از روش‌ها و گرایش‌های دیگر نیز استفاده کرده‌اند (مؤدب، ۱۳۸۰، ص ۲۵۷-۲۵۸).

ویژگی‌ها: دانشمندانی که به گرایش فلسفی تفسیر روی آورده‌اند، به عناصر زیر توجه بیشتری کرده‌اند:

الف) به تفسیر آیات مربوط به هستی، خدا و صفات او توجه کرده‌اند.

ب) به آیات متشابه قرآن توجه وافر دارند.

ج) در بسیاری از موارد، ظواهر قرآن را تأویل کرده، آیات را با دیدگاه‌های فلسفی هماهنگ می‌کنند و آنها را شاهد دیدگاه‌های فلسفی خود قرار می‌دهند.

د) در این گرایش تفسیری، اصل، عقل و برهان است و از روش اجتهادی و عقلی در تفسیر استفاده می‌شود.

ه) انگیزه مفسران در تفسیر آیات، دفاع از مشرب فلسفی خاص یا دیدگاه‌های فلسفی خویش است.

موضوعات: مهم‌ترین موضوعات و آیاتی که در گرایش فلسفی بدان‌ها پرداخته می‌شود، عبارتند از: اثبات وجود خدا و استدلال‌های مختلف بر آن، حقیقت وجود خدا و صفات او، توحید و مراتب و مراحل آن، مسئله نفس، مسئله عقل، مسئله علیت، مسئله اعجاز.

برای مثال بوعلی سینا، در تفسیر آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكُوتَةٍ...» (نور: ۳۵) می‌نویسد:

«النور اسم مشترك لمعنيين: ذاتي و مستعار و الذاتي هو كمال المشف من حيث هو مشف كما ذكرها ارسطاطاليس و المستعار على وجهين: اما الخير، و اما السبب الموصل الى الخير، و المعنى ههنا هو القسم المستعار بكلى فى قسيمة... و قوله السموات و الارض، عبارة عن الكل و قوله مشكوة، فهو عبارة عن العقل الهولانى و النفس الناطقة... و المصباح هو عبارة عن العقل المستفاد بالفعل...» (ابن‌سینا، ۱۹۰۸م، ص ۱۲۵-۱۲۸/ذهبی، همان، ج ۲، ص ۴۲۹): نور اسمی است مشترک برای دو معنا: معنای ذاتی و معنای مستعار؛ معنای ذاتی عبارت است از: کمال نوردهنده از جهت نوردادن؛ همان طوری که ارسطو گفته است و معنای مستعار بر دو صورت است: یکی خیر و یکی سببی که ما را به سوی خیر می‌رساند، ولی مقصود در اینجا همان قسم مستعار به هر دو صورت است... و سخن خدا در مورد آسمان‌ها و زمین عبارت است از عقل کلی و سخن خدا در مورد مشکات عبارت است از عقل هیولانی و نفس ناطقه... و مقصود از مصباح همان عقل مستفاد بالفعل است... .

علامه طباطبایی، از مبحث فلسفی «علیت» سود برده، بیان کرده است قرآن، علیّت عامه را می‌پذیرد. وی تفسیر خاصی از معجزه ارائه کرده است (طباطبایی، همان، ج ۱، ص ۷۳).

۴. گرایش اجتماعی

این گرایش به رویکرد تفاسیری اطلاق می‌شود که مفسر به سبب علاقه به امور اجتماعی، به تفسیر آیات اجتماعی قرآن بیشتر می‌پردازد و یا نگاهی اجتماعی در تفسیر قرآن دارد.

قرآن کریم همان‌طور که به عقاید و احکام تکلیفی انسان می‌پردازد، بسیاری از مطالب مربوط به زندگی اجتماعی و فردی بشر را بیان می‌کند. این بُعد از قرآن، از دیرباز مورد توجه مفسران بوده است و به تفسیر آیات مربوط به آن می‌پرداختند؛ اما در قرون اخیر، با حرکت اجتماعی دانشمند شیعی، سیدجمال‌الدین اسدآبادی (م ۱۳۱۵ق) در مصر، نگاهی نو به تعالیم قرآن و اسلام شکل گرفت و شاگرد او محمد عبده (م ۱۳۲۳ق) این نهضت را در گرایش تفسیر اجتماعی متبلور ساخت (آیت‌الله معرفت، شیخ محمد عبده را رهبر این مدرسه تفسیری می‌داند. رک به: معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۵۳) و تفسیرهایی همچون *المنار* شکل گرفت که اکثر مطالب آن، تقریر دروس محمد عبده است. هرچند رشید رضا در *المنار*، در برخی موارد از اهداف سیدجمال و عبده فاصله گرفته است (ایشان در باب انطباق قرآن با علوم جدید و تأویل معجزات، گاهی افراط کرده است و تحت تأثیر سلفی‌ها قرار گرفته است. رک به: معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۵۶-۴۶۵). اما گرایش اجتماعی تفسیر، راه خود را در مصر، ایران و پاکستان ادامه داد و مفسران شیعه در ایران، همچون علامه طباطبایی رحمته‌الله علیه (در المیزان)، و آیت‌الله مکارم شیرازی (در تفسیر نمونه) و آیت‌الله طالقانی (در پرتوی از قرآن) و در

لبنان محمد جواد مغنیه (در الکاشف) و علامه سیدمحمدحسین فضل الله (در من وحی القرآن) به شیوه تفسیر اجتماعی توجه کردند و در این راه قلم زدند. گرایش اجتماعی تفسیر، گاهی با جهت‌گیری‌های عصری، همچون جهادی - تربیتی و ارشادی - تقریبی همراه شده، حرکت‌های انقلابی و اصلاحات اجتماعی را پیگیری کرده است. نمونه عالی این مطلب، در تفسیرهای امام خمینی علیه السلام از آیات قرآن یافت می‌شود، که در سخنرانی‌ها و نوشته‌های ایشان تبلور یافت (امام خمینی، ۱۳۷۱) و جامعه ایران، بلکه جهان اسلام را به خروش آورد و بزرگ‌ترین انقلاب را در عصر حاضر رقم زد.

این گرایش تفسیری - همراه با جهت‌گیری‌های عصری - در عصر حاضر از پررونق‌ترین گرایش‌های تفسیری است که هر سال، تفسیر جدیدی با این شیوه نگاشته می‌شود.

برخی از مهم‌ترین تفاسیر اجتماعی شیعه، عبارتند از:

- *المیزان فی تفسیر القرآن*، علامه سیدمحمدحسین طباطبایی (م ۱۴۰۲ق). این اثر، تفسیر جامعی است که علامه آن را به روش تفسیر قرآن به قرآن نگاشته است و به مسائل اجتماعی، به ویژه ذیل آیه ۲۰۰ سوره آل عمران توجه خاص کرده است. این تفسیر، به عربی است، اما به فارسی ترجمه شده است.

- تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی و همکاران (معاصر، ایران). این تفسیر ۲۷ جلدی، تفسیری جامع است؛ اما گرایش غالب آن اجتماعی است و به گرایش علمی نیز توجه خاص داشته است؛ ضمن آنکه اولین تفسیر جمعی به شمار می‌آید. اصل این تفسیر به فارسی است، اما به عربی، زیر عنوان «الامثل» - و زبان‌های دیگر - ترجمه شده است.

- *پیام قرآن*، آیت‌الله مکارم شیرازی و همکاران. این کتاب، تفسیر موضوعی قرآن کریم به زبان فارسی است که تا کنون حدود ده جلد آن منتشر شده است.

- من وحی القرآن، علامه سیدمحمدحسین فضل‌الله (عالم معاصر لبنانی). این تفسیر، مشابه تفسیر فی ظلال سید قطب است.
- الکاشف، علامه شیخ محمدجواد مغنیه (۱۳۲۲-۱۴۰۰ق). وی از علمای لبنان است که تفسیری تک‌جلدی به نام مبین نیز دارد. روحیه ضدصهیونیستی او قوی است.
- الفرقان فی تفسیر القرآن، دکتر محمد صادقی تهرانی (معاصر، ایران).
- من هدی القرآن، سیدمحمدتقی مدرسی (تألیف ۱۴۰۵ق) در هجده جلد.
- مخزن العرفان، سیده نصرت بنت محمدعلی امین، مشهور به بانوی اصفهانی (۱۴۰۳ق). این اثر گرایش اجتماعی نیز دارد.
- منشور جاوید، آیت‌الله جعفر سبحانی (معاصر). تفسیری موضوعی به زبان فارسی است که تا کنون حدود ده جلد آن منتشر شده است و به عربی نیز زیر عنوان «مفاهیم القرآن» منتشر گشته است.
- تفسیر نور، استاد محسن قرائتی (معاصر).
- تفسیر کاشف، دکتر بی‌آزار شیرازی و دکتر سیدمحمدباقر حجّتی (معاصر).
- تفسیر قرآن مهر، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران قرآنی. این تفسیر در ۲۲ جلد در سال ۱۳۸۷ ش منتشر شد. این تفسیر آموزه‌ها و پیام‌های قرآنی را با توجه به کاربرد اجتماعی و تربیتی آن در عصر حاضر بیان کرده است؛ علاوه بر آنکه به آیات اجتماعی قرآن توجه ویژه کرده است. مخاطب این تفسیر جوانان هستند و با اشراف مرحوم آیت‌الله معرفت نگاشته شده است.
- صحیفه نور (مجموعه گفتارها و نوشته‌های امام خمینی علیه السلام) را می‌توان یکی از منابع تفسیر اجتماعی و سیاسی به شمار آورد؛ هرچند نام اصطلاحی «تفسیر قرآن» بر آن نهاده نشده است؛ ولی تفاسیر اجتماعی و سیاسی بسیاری از آیات در آن وجود دارد. هرچند از امام خمینی علیه السلام برخی کتاب‌های مستقل در زمینه تفسیر، از جمله تفسیر سوره حمد منتشر شده است.

- تفسیر قرآن، شهید مرتضی مطهری. مطالب تفسیری شهید مطهری در ضمن کتاب‌ها و سخنرانی‌های ایشان استخراج شده و در مجموعه‌ای ده جلدی منتشر گشته است. این مجموعه به آیات اجتماعی قرآن و رویکرد اجتماعی در تفسیر، توجه ویژه‌ای دارد.

ویژگی‌ها: مفسرانی که به این گرایش تفسیری روی آورده‌اند، به عناصر زیر توجه بیشتری کرده‌اند:

- (الف) به آیاتی از قرآن که مسائل اجتماعی را بیان می‌کنند، بیشتر پرداخته‌اند.
- (ب) به مشکلات مسلمانان در عصر خویش توجه کرده، آیات قرآن را بر زندگی عصر خود تطبیق داده، درمان مشکلات اجتماعی را در قرآن جستجو کرده‌اند.
- (ج) به گرایش‌های فلسفی، مذهبی و سبک‌های ادبی و فقهی کمتر توجه کرده‌اند و تلاش کرده‌اند عقاید را از قرآن بگیرند؛ نه اینکه قرآن را تابع عقاید سازند.
- (د) به جهت‌گیری‌های عصری در باب جهاد با دشمنان اسلام - به‌ویژه اسرائیل - و استعمارگران غربی و حرکت تقریبی (وحدت بین مسلمانان) توجه کرده‌اند.
- (ه) به آموزه‌های تربیتی و ارشادی قرآن، توجه خاص داشته‌اند.
- (و) به عقل و علوم تجربی قطعی در تفسیر قرآن اهمیت داده‌اند و از روش تفسیر عقلی و علمی استفاده کرده‌اند.
- (ز) از روایات اسرائیلیات و روایات جعلی خرافی و ضعیف، دوری گزیده‌اند.

دکتر ذهبی، اشکال گرایش اجتماعی تفسیر را آزادی زیاد عقل در تفسیر می‌داند که برخی حقایق شرعی را به صورت مجاز یا تمثیل بیان می‌کند (ذهبی، همان، ج ۲، ص ۵۴۷-۵۵۰)؛ ولی آیت‌الله معرفت، گسترش عقل‌گرایی در این گرایش را از امتیازات آن می‌داند که جلوی روایات ضعیف و جعلی را در تفسیر می‌گیرد (معرفت، همان، ص ۴۵۳).

- ح) معمولاً از بیانی شیوا و ساده استفاده کرده‌اند تا تفسیر برای عموم مردم (سطح متوسط جامعه) قابل استفاده باشد.
- ط) به شبهات و اشکالات مخالفان نسبت به قرآن و اسلام توجه کرده، در پاسخگویی به آنها در تفسیر برآمده‌اند.
- ی) معمولاً هر کجا ظواهر آیات و روایات با حقایق ثابت شرعی یا عقلی یا علمی منافات دارد، آنها را تأویل کرده، یا مجاز دانسته‌اند.
- ک) مفسر در گرایش اجتماعی، روحیه‌ای اجتماع‌گرایانه دارد و آیات قرآن و احکام اسلامی را از زاویه فردی نمی‌بیند.
- ل) مفسر گرایش اجتماعی، تقلیدگونه با تفسیر برخورد نمی‌کند و می‌کوشد با اسلوبی زیبا، سنن اجتماعی آیات قرآن را بر نیازهای عصر تطبیق کند و آنها را با بیانی در خور فهم همگان، ارائه نماید (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۳۴۹).
- موضوعات:** در گرایش اجتماعی تفسیر، به موضوعات و آیات زیر توجه بیشتری شده است:
- الف) روابط اجتماعی مسلمانان با همدیگر (آل عمران: ۲۰۰ و...);
- ب) مسئله وحدت امت اسلامی (آل عمران: ۱۰۳ و...);
- ج) ارتباط مسلمانان با ملل دیگر؛ و اصل نفی سبیل در سیاست خارجی اسلام (نساء: ۱۰۱);
- د) مسئله حکومت اسلامی و مسائل سیاسی جامعه اسلامی؛
- ه) امر به معروف و نهی از منکر؛
- و) مسائل بهداشت فردی و اجتماعی (اسراف - غذای پاک و...);
- ز) همکاری و تعاون اجتماعی (در امور خیریه و رسیدگی به فقرا و...);
- ح) جهاد اسلامی و لزوم مبارزه با دشمنان اسلام، همچون استعمار و صهیونیسم؛
- ط) مسئله آزادی انسان و لزوم مبارزه با ظلم و استبداد؛

ی) توجه به تعلیم و تربیت و اهمیت علم در اسلام؛
ک) توجه به علوم طبیعی و انسانی در تفسیر قرآن.

برای مثال علامه طباطبایی رحمته‌الله در ذیل آیه ۲۰۰ سوره آل عمران، مباحثی را زیر عنوان «کلام فی المرابطة فی المجتمع الاسلامی» مطرح می‌کند که حدود پنجاه صفحه را در بر می‌گیرد و عناوینی همچون انسان و اجتماع، رابطه فرد و اجتماع، آزادی در اسلام، تکامل در جامعه اسلامی، دین و سعادت دنیا، ولایت و سرپرستی جامعه اسلامی، مرزهای کشور اسلام و مانند آنها را در بر می‌گیرد (طباطبایی، همان، ج ۴، ص ۹۷-۱۴۷).

۵. گرایش ادبی و لغوی

این گرایش به رویکرد تفاسیری اطلاق می‌شود که به سبب علاقه یا تخصص، مفسر به مطالب ادبی (اعم از صرف و نحو و معانی و بیان، لغت و...) بیشتر پرداخته است و رویکرد اصلی آن توضیح ادبی آیات است.

ادبیات عرب و لغت آن، یکی از منابع و ابزارهای تفسیر قرآن است که هیچ مفسری از آنها بی‌نیاز نیست. توجه به نقش ادبیات لغت در فهم قرآن، از دیرباز مورد توجه مفسران و ادیبان بوده است.

صحابه گاهی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد لغات قرآن پرسش می‌کردند و آن حضرت معنای واژگان را توضیح می‌دادند (ر.ک به: سیوطی، ۱۴۲۶ق، ج ۴، ص ۲۱۸). این کار در عصر تابعین نیز رواج داشته است. در عصر اهل بیت علیهم‌السلام، محمد بن سایب کلبی کوفی از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام نخستین کتاب را درباره «غریب القرآن» نگاشت؛ سپس این شیوه رونق گرفت و گونه‌های متعدد پیدا کرد و در تفاسیر قرآن وارد شد و تفاسیر ادبی و لغوی‌ای همچون کشف زمخشری (۴۶۷-۵۳۸ق) شکل

گرفت، و یا برخی از مفسران، همچون طبرسی در مجمع البیان، بخشی از تفسیر خود را به بحث‌های اعراب و لغت اختصاص دادند.

گونه‌ها و منابع

الف) **گرایش تفسیر لغوی** (= مفردات قرآن، غرائب قرآن، معانی قرآن): در این شیوه، بر شناخت لغات مشکل و غریب و ریشه‌یابی و اشتقاق و شکل و تغییرات و سیر تطوّر لغات تأکید می‌شود؛ همچنین به اشعار عرب و سخنان مردم عادی و قبایل استشهد می‌شود و به کاربردهای مختلف یک لغت در قرآن و علم وجوه و نظایر و نیز به مترادف‌ها و حقیقت و مجاز لغات، توجه می‌شود. در این موارد، باید معنای موضوع‌له از مستعمل‌فیه به وسیله اجتهاد در لغت جدا شود. برخی از مشهورترین کتاب‌ها و تفاسیر شیعه در این زمینه، عبارتند از:

- **تفسیر غریب القرآن**، منسوب به شهید زید بن علی بن الحسین که با تحقیق سیدمحمدجواد جلالی چاپ شده است و براساس ترتیب آیات است.

- **تفسیر مفردات الفاظ قرآن** (مفردات راغب)، ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل (م ۵۰۳ق)، معروف به راغب اصفهانی (برخی شرح حال‌نگاران، ایشان را شیعه دانسته‌اند. ر.ک به: راغب اصفهانی، ۱۳۷۶ش، ج ۵، ص ۴۵ / مدرس، ۱۳۷۰ش، ج ۲، ص ۲۹۲ / قمی، ۱۳۶۷ش، به نقل از: طبرسی (صاحب کامل بهائی)، ۱۴۲۲ق و موحد ابطحی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۳۱۶. ایشان آورده‌اند: «انه كان من حکماء الشيعة الامامية») که لغات قرآن را بر اساس حروف الفبا آورده، ریشه‌یابی کرده است.

- **تفسیر شبر**، عبدالله بن شبر کاظمی نجفی (م ۱۲۴۲ق).

- **تفسیر مجمع البیان و جوامع الجامع**، شیخ طبرسی (م ۵۴۸ق). ایشان نیز به طور پررنگ به مباحث لغت قرآن پرداخته‌اند.

- **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، مصطفوی، ۱۴ جلد (معاصر).

- قاموس قرآن، سیدعلی‌اکبر قرشی، ۳ جلد (معاصر).

ب) گرایش ادبی (بلاغی و بیانی): در این شیوه هم بر پژوهش‌های لفظی و هم معنای آیات از طریق توجّه به تجزیه و ترکیب جملات تأکید می‌شود و در این مسیر از ادبیات عرب (صرف، نحو، بلاغت، بدیع و...) به طور کامل استفاده می‌شود؛ چراکه قرآن به زبان عربی نازل شده است و برای فهم آن باید به پژوهش‌های لفظی ادبیات عرب توجّه کرد. برخی از تفاسیر شیعه که به این گرایش تفسیری توجّه کرده‌اند، عبارتند از:

- تفسیر مجمع البیان و نیز تفسیر جوامع الجامع، امین‌الاسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ق). طبرسی شیعی‌مذهب بوده، در مجمع البیان مباحثی مستقل در مورد اعراب و لغت آیات، همچنین ترکیب آیات بیان کرده است که بسیار ارزشمند است.

- الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، جارالله زمخشری (برخی شرح حال‌نگاران، ایشان را شیعه دانسته‌اند. رک به: خوانساری اصفهانی، ۱۳۶۱ش، ج ۸، ص ۱۱۸). زمخشری (۴۶۷-۵۳۸ق) معتزلی‌مذهب بوده، به نکات ادبی آیات توجه بسیاری کرده است. کتاب او از جمله بهترین کتاب‌ها در نوع خود است.

۳. تفسیر شبر و تفسیر تبیان (شیخ طوسی) و بسیاری از تفاسیر دیگر نیز به مباحث ادبی قرآن پرداخته‌اند. ویژگی‌ها: مفسرانی که به گرایش ادبی و لغوی تفسیر روی آورده‌اند، به عناصر زیر توجّه بیشتری کرده‌اند:

الف) به صرف و نحو لغات و جملات قرآن پرداخته‌اند و گاهی اقدام به تجزیه و ترکیب آیات نموده‌اند.

ب) به توضیح نکات بلاغی قرآن پرداخته‌اند.

ج) اعجاز ادبی و بلاغی قرآن را مورد توجّه قرار داده، یا آنها را اثبات کرده‌اند.

د) لغات غریب و مشکل قرآن را توضیح داده‌اند.
ه) به ریشه‌یابی لغات در زبان عربی و فرهنگ‌های غیرعربی پرداخته‌اند؛ یعنی لغات دخیل را پیگیری و در عبری، سریانی، فارسی و... ریشه‌یابی کرده‌اند.
و) به اختلاف قرائت‌ها و تأثیر آن در معانی آیات توجه کرده‌اند.
ز) در این شیوه از اشعار عرب - به‌ویژه اشعار جاهلی - به عنوان منبع معناشناسی استفاده می‌شود.

ح) به مباحث وجوه و نظایر و حقیقت و مجاز، توجه وافر می‌شود.
موضوعات: در گرایش ادبی تفسیر، به موضوعات زیر توجه بیشتری شده است:
الف) تجزیه آیات (صرف)؛
ب) ترکیب آیات (نحو)؛
ج) واژه‌شناسی لغات و ریشه‌یابی آنها (اشتقاق و لغت)؛
د) لغات دخیل در قرآن (لغاتی که ریشه غیرعربی دارند)؛ مثل «فردوس» که فارسی است و ابراهیم و...؛
ه) به فصاحت و بلاغت آیات توجه شده است؛
و) لغات هم‌معنا (مترادف‌ها) و مشترک‌های لفظی مورد توجه قرار گرفته‌اند (وجوه و نظایر).

برای مثال زمخشری در مورد آیه «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ - اِلٰى رَبِّهَا نَاطِرَةٌ» (قیامت: ۲۲-۲۳) توضیح می‌دهد و از اینکه مفعول «اِلٰى رَبِّهَا...» مقدم شده است، انحصار را نتیجه می‌گیرد؛ یعنی در رستاخیز، فقط به پروردگارشان نظر می‌کنند. سپس اشکال می‌کند که از طرفی مردم در رستاخیز به چیزهای دیگر نیز نگاه می‌کنند، پس چگونه آیه، انحصار را می‌رساند و از طرف دیگر نگاه کردن به خدا محال است - چون جسم نیست - پس بر معنایی حمل می‌کند که با انحصار مناسب

باشد؛ یعنی «نظر» در اینجا به معنای توقّف و امید است؛ مثل وقتی که کسی می‌گوید: نگاه من به دست شماست که ببینم با من چه می‌کنی. وی در ادامه می‌نویسد: در مکه، در هنگام ظهر که درها بسته بود، دیدم شخصی می‌گوید: «چشمان من به خدا و به شما (مردم) نظر می‌کند» (این شخص به کرامت خدا و مردم، چشم دوخته است) و مردم نیز در رستاخیز، چشم به نعمت و کرامت خدا دوخته‌اند (زمخسری، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۶۶۲).

۶. گرایش‌های دیگر

گرایش‌های دیگری نیز در تفاسیر شیعه وجود داشته است؛ همچون گرایش عرفانی که در تفسیر *بیان السعاده* گنابادی دیده می‌شود یا گرایش روایی که در تفاسیری مثل تفسیر *عیاشی*، *قمی*، *نورالتقلین* و *البرهان* دیده می‌شود یا گرایش علمی که در تفاسیری مثل تفسیر نمونه آیت‌الله مکارم شیرازی و *پرتویی از قرآن* آیت‌الله طالقانی دیده می‌شود (رضایی اصفهانی، تابستان ۱۳۸۸)؛ ولی از آنجا که این گرایش‌ها به صورت مبسوط در مقاله مستقل یا در ضمن روش‌های تفسیری مورد بررسی قرار می‌گیرد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵ / علوی مهر، ۱۳۸۱ / مؤدب، ۱۳۸۰)، در اینجا بدان‌ها نپرداختیم. همچنین می‌توان به گرایش‌های دیگر مثل گرایش تفسیر تربیتی، تفسیر اقتصادی، تفسیر سیاسی و تفسیر تاریخی که در دهه اخیر در حوزه قرآن‌پژوهی شیعه در حد همایش‌ها و مقالات علمی مطرح شده است (برای نمونه رک به: مجله قرآن و علم، ش ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۷ش، که ویژه‌نامه تفسیر تربیتی قرآن است) و نزدیک است به تولید تفسیرهای تخصصی در این حوزه‌ها منتهی شود، اشاره کرد؛ هرچند تک‌نگاری‌هایی نیز در زمینه‌های فوق به صورت تفسیرهای موضوعی میان‌رشته‌ای شکل گرفته است؛ مثل قرآن و کیهان‌شناسی، سیدعیسی مسترحمی؛ قرآن و هنر، دکتر علی نصیری و...؛

ولی تا کنون (سال ۱۳۸۸ ش) تفاسیر دوره‌ای کامل در این زمینه‌ها، منتشر نشده است.

نتیجه

مفسران شیعه در طول تاریخ اسلام، به گرایش‌های تفسیری متنوعی توجه کرده‌اند؛ از جمله گرایش فقهی، کلامی، فلسفی، اجتماعی، ادبی، علمی، روایی و عرفانی. در هر مورد نیز تفاسیر و تک‌نگاری‌های متعددی تهیه و تدوین شده است که نشان‌دهنده تنوع آرا و علایق و تخصص مفسران شیعه بوده است؛ در حالی که همگی تلاش داشته‌اند در چارچوب مذهب اهل بیت علیهم‌السلام حرکت کنند.



منابع

۱. ابن سینا؛ رسائل؛ چاپ هند، [بی‌نا]، ۱۹۰۸م.
۲. ابن عربی، محمد؛ احکام القرآن؛ بیروت: [بی‌نا]، ۱۳۹۲ق.
۳. گلذیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی؛ ترجمه عبدالکریم النجار؛ مصر: مكتبة الخانجي لمصر، ۱۹۹۵م.
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ صحیح البخاری؛ [بی‌جا]، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۱ق.
۵. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله؛ كشف الظنون؛ تهران: اسلامیه و جعفری تبریزی، ۱۳۸۷ق.
۶. خضری، بک محمد؛ تاریخ التشريع الاسلامی؛ بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۷ق.
۷. خوانساری اصفهانی، محمدباقر؛ روضات الجنات فی الاحوال العلماء و السادات؛ [بی‌جا]، اسلامیه، ۱۳۶۱ش.
۸. ذهبی، محمدحسین؛ التفسیر و المفسرون؛ ۲ج، [بی‌جا]، دارالکتب الحدیثه، الطبعة الحدیثه، ۱۳۹۶ق.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ الذریعة الی مکارم الشریعة؛ اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۶ش.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن؛ قم: اسوه، ۱۳۷۶.
۱۱. _____؛ منطق تفسیر قرآن (۲): روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن؛ قم: جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۵.
۱۲. _____؛ «تفسیر علمی نزد مفسران شیعه»؛ فصلنامه شیعه‌شناسی، ش ۲۶، تابستان ۱۳۸۸.
۱۳. مدرس، محمدعلی؛ ریحانة الادب فی تراجم المعروفین باکنیه و اللقب یاکنی و القاب؛ [بی‌جا]، خیام، ۱۳۷۰.
۱۴. زرکلی، خیرالدین؛ الاعلام، قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین؛ [بی‌جا]، [بی‌نا]، [بی‌تا].
۱۵. زمخشری، محمود بن عمر؛ تفسیر الکشاف؛ ۴ج، بیروت: دارالکتب العربی، [بی‌تا].
۱۶. سبجانی، جعفر؛ ملل و نحل؛ قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۷ق.
۱۷. سیوطی؛ الإقتان فی علوم القرآن؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م.

۱۸. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم؛ **ملل و نحل**؛ بیروت: دارالمعرفة، [بی‌تا].
۱۹. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان؛ **الاعلام**؛ قم: کنگره جهانی هزاره مفید قم، ۱۴۱۳ق.
۲۰. الصغیر، محمدحسین علی؛ **دراسات قرآنیة: المبادئ العامة لتفسیر القرآن الکریم**؛ تهران: مکتبة الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
۲۱. طباطبائی، علامه سیدمحمدحسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ قم: اسماعیلیان، ۱۳۹۳ق.
۲۲. طبرسی، شیخ حسن بن علی؛ **مجمع البحوث الاسلامیة**؛ مشهد، [بی‌تا]، ۱۴۲۲ق.
۲۳. عبدالرحمن العک، شیخ خالد؛ **اصول التفسیر و قواعدہ**؛ الطبعة الثالثة، بیروت: دارالنفائس، ۱۴۱۴ق.
۲۴. علوی مهر، حسین؛ **روش‌ها و گرایش‌های تفسیری**؛ قم: اسوه، ۱۳۸۱.
۲۵. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله؛ **کنز العرفان فقه القرآن**؛ تبریز: محمد رفیع تاجر تبریزی، ۱۳۱۵ق.
۲۶. فاکر میبدی، محمد؛ **فقه القرآن: تفسیر تطبیقی آیات الاحکام**؛ قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، [بی‌تا].
۲۷. قمی، شیخ عباس؛ **ریاض العلماء**؛ [بی‌جا]، [بی‌تا]، ۱۳۶۷ش.
۲۸. مؤدب، سیدرضا؛ **روش‌های تفسیر قرآن**؛ قم: نشر اشراق دانشگاه قم، ۱۳۸۰.
۲۹. جمعی از نویسندگان؛ **مجله قرآن و علم**؛ قم: پژوهش‌های تفسیر علوم قرآن، ش ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.
۳۰. معرفت، محمدهادی؛ **التفسیر و المفسرون فی ثوبۃ القشيب**؛ مشهد: الجامعة الرضویة العلوم الاسلامیة، ۱۴۱۸ق.
۳۱. _____؛ **التفسیر و المفسرون فی ثوبۃ القشيب**؛ ترجمه علی خیاط، قم: ذوی القربی، ۱۳۸۰.
۳۲. موحد ابطحی، حجت؛ **آشنایی با حوزه‌های علمیه در طول تاریخ**؛ اصفهان: حوزه علمیه، ۱۳۶۵ش.
۳۳. موسوی خمینی، روح‌الله؛ **صحیفه نور**؛ تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی